



## چهارم جولای برای برگگان چه معنای دارد؟

سخنرانی فردریک داگلاس  
در روز استقلال، چهارم جولای ۱۸۵۲  
بر اساس ویرایش دایان راویچ





---

# چهارم جولای برای برگگان چه معنای دارد؟

سخنرانی فردریک دآگلاس  
در روز استقلال، چهارم جولای ۱۸۵۲  
بر اساس ویرایش دایان راویچ



**توانا**

TAVAANA

آموزشکده الکترونیکی  
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

*for civic education*

---

THE AMERICAN READER.  
Copyright © 1990, 2000 by Diane Ravitch. All rights reserved.  
Printed in the United States of America.

No part of this book may be used or reproduced in any manner  
whatsoever without written permission except in the case of brief  
quotations embodied in critical articles and reviews.  
For information address HarperCollins Publishers Inc.,  
10 East 53rd Street, New York, NY 10022.

Persian translation of the THE AMERICAN READER published by  
arrangement with HarperCollins Publishers.



آموزشکده الکترونیکی  
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative

*for civic education*

<http://www.eciviced.org>

---

چهارم جولای برای بردگان چه معنا دارد؟

سخنرانی فردریک داگلاس در روز استقلال، چهارم جولای ۱۸۵۲

(Frederick Douglass's

Independence Day Speech at Rochester)

---

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

---

ترجمه از نسخه ویرایش شده دایان راویچ (Diane Ravitch)

---

ترجمه: آموزشکده توانا (آموزشکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

---

© E-Collaborative for Civic Education 2014

## e-collaborative for civic education

E-Collaborative for Civic Education (ECCE) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند. ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان، اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از یک جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آنها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که پیشرو صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثیر گرای و جوامعی شایسته سالار که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند، است. ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وبلاگ نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارائه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموزی، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای محذوف است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان توسط جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بر ساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد. سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memaradehgi

Akbar Attari



## فهرست

۹

مقدمه دایان راویچ

۱۱

چهارم جولای برای بردگان چه معنا دارد؟





## مقدمه دایان راویچ

«هموطنان، مرا ببخشید، اجازه دهید بپرسم که چرا از من خواسته شده امروز در اینجا صحبت کنم؟ من، یا کسانی که نماینده‌شان هستم، را چه کار به روز استقلال شما؟... چهارم جولای شما برای یک برده آمریکایی چه معنایی دارد؟»

فردریک داگلاس<sup>۱</sup> خطیب، نویسنده، اولین دولت‌مرد سیاهپوست و از چهره‌های شاخص جنبش الغای برده‌داری در آمریکا بود. او در حدود ۱۸۱۸ و برده به دنیا آمد. تاریخ دقیق تولدش روشن نیست. مادر بزرگش او را در مزرعه‌ای در مریلند بزرگ کرد. به هشت سالگی که رسید، او را برای بردگی به خانه‌ای در بالتیمور فرستادند. در آنجا خانم خانه به او خواندن و نوشتن آموخت، کاری که مغایر با قانون بود. بعدها برای کار به مزرعه برگردانده شد. در سن بیست و یک سالگی به نیویورک و از آنجا به نیو بدفورد در ماساچوست گریخت و نام خانوادگی‌اش را از بیلی به داگلاس تغییر داد.

---

1. Frederick Douglass (1818-1895)

داگلاس در سال ۱۸۴۱ دعوت شد که در یک جمع مخالف برده‌داری در نانتاکت سخنرانی کند. چنان شیوا صحبت کرد که نماینده جامعه ضد برده‌داری ماساچوست شد. به خطیب مهمی تبدیل شد، و در پاسخ به منتقدانی که به اعتبار گفته‌هایش شک داشتند، در سال ۱۸۴۵ زندگینامه‌اش را نوشت. اما از ترس اینکه او را شناسایی و دستگیر کنند، دو سال را خارج از کشور به سخنرانی در مناطق مختلف گذراند. بعد با پول کافی برگشت، آزادی‌اش را خرید و در سال ۱۸۴۷ روزنامه ضد برده‌داری خودش را با نام «ستاره شمال» در روچستر نیویورک تاسیس کرد.

از ۱۸۴۱ به بعد، داگلاس مهم‌ترین سیاهپوست طرفدار الغای برده‌داری در کشور بود. در سال ۱۸۵۲ از او دعوت شد که در روز استقلال در روچستر سخنرانی کند. او سخنانش را با تعریف و تمجید معمول از دستاوردهای موسسان قانون اساسی آمریکا آغاز کرد. اما در میانه سخنرانی، ناگهان جهت عوض کرد و با یادآوری ریاکاری ملت و اینکه سیاهپوستان از این استقلال بهره نمی‌برند، مخاطبانش را شگفت زده کرد. آنچه در اینجا می‌خوانید فشرده بخش دوم خطابه بلند اوست.<sup>۱</sup>

---

۱. متن کامل این خطابه را در اینجا می‌توانید ببینید.

## چهارم جولای برای بندگان چه معنا دارد؟

### با غل و زنجیر در معبد آزادی

هموطنان، مرا ببخشید، اجازه دهید بپرسم که چرا از من خواسته شده امروز در اینجا صحبت کنم؟ من، یا کسانی که نماینده‌شان هستم، را چه کار به روز استقلال شما؟ آیا اصول آزادی سیاسی و عدالت که در اعلامیه استقلال آمده شامل حال ما هم می‌شود؟ و در نتیجه از من خواسته شده تا پیشکش‌های محقرمان را به محراب ملی بیاورم و منافعی را که به دست آورده‌ایم تصدیق کنم؟ و به خاطر نعمت‌هایی که از استقلال شما نصیب ما شده، خالصانه قدردانی کنم؟ کسی که زنجیر بردگی از دست و پایش باز شده، چطور می‌تواند آنقدر بی‌عاطفه و خودخواه باشد که گلویش را برای ذکر گفتن و هم‌صدا شدن در جشن و شادی ملت پاره نکند؟ من چنین آدمی نیستم. در چنان شرایطی انسان لال هم باید به حرف بیاید و به شیوایی سخن بگوید و فرد چلاق هم مثل گوزن به جست و خیز بیاید.

اما چنین وضعیتی در کار نیست. این را با اندوه در مورد اختلافی که بین ما وجود دارد می‌گویم. من در قلمرو این سالگرد باشکوه جایی ندارم! استقلال رفیع شما فقط فاصله بیکران میان ما را آشکار می‌کند. نعمت‌هایی که شما در این روز به خاطرش شادی می‌کنید، نصیب همه نشده. شما از این میراث غنی عدالت، آزادی، کامیابی، و

استقلال که پدران تان به جا گذاشته‌اند سهم دارید، نه من. آفتابی که برای شما نور و شفا به ارمغان آورد، برای من تازیانه و مرگ آورده. چهارم جولای مال شماست، نه من. شما شاد باشید، ولی من باید سوگواری کنم. اینکه کسی را با غل و زنجیر به معبد عظیم و پر نور آزادی بکشانید و از او بخواهید در سرود شادی تان شما را همراهی کند، استهزایی غیر انسانی و کنایه‌ای موهن به مقدسات محسوب می‌شود.

### من صدای ضجه‌های مردمی پریشان‌ام

شهروندان، آیا قصدتان از اینکه مرا دعوت به سخنرانی کرده‌اید، استهزای من است؟ اگر چنین است، قیاسی در کارتان است. و بگذارید به شما هشدار بدهم که تقلید از کار ملتی که گناهایش سر به فلک کشیده بود کار خطرناکی است، ملتی که به اراده خداوند از پا درآمد و در آتش ویرانی سوخت! امروز می‌توانم صدای ضجه‌های سوزناک مردمانی اندوهگین و پریشان باشم.

«نزد نهرهای بابل آنجا نشستیم. و گریه نیز کردیم وقتی صهیون را به یاد آوردیم. بریط‌های خود را آویختیم. بر درختان بید که در میان آنها بود. زیرا آنانی که ما را به اسیری برده بودند در آنجا از ما سرود خواستند. و آنانی که ما را تاراج کرده بودند شادمانی خواستند. که یکی از سرودهای صهیون را برای ما بسرانید. چگونه سرود خداوند را در زمین بیگانه بخوانیم؟ اگر تو را ای اورشلیم فراموش کنم آنگاه دست راست من فراموش کند. اگر تو را به یاد نیاورم، آنگاه زبانم به کامم بچسبد.»

هموطنان، در پس شادمانی ملی و پیروزمندانه شما، ناله محزون میلیون‌ها نفر را می‌شنوم که زنجیرهای سنگین و تالم آور دیروزشان، امروز از فریادهای شادی که به گوش شان می‌رسد بیشتر از همیشه غیر قابل تحمل شده است. اگر امروز فرزندان مصیبت و اندوه را صادقانه به یاد نیاورید، «باشد که دست راستم زبردستی اش را از خاطر ببرد و زبانم به سقف دهانم بچسبد!»

از یاد بردن آنها، گذشتن از کنار ستم‌هایی که به آنها روا شده، و هم آواز شدن با دیگران خیانتی بی‌شرمانه و هولناک خواهد بود و مرا بر آن خواهد داشت که نزد خداوند و جهانیان گلایه ببرم.

### بردگی به نام خدا و انجیل؟

هموطنان، موضوع صحبت من برده‌داری در آمریکا است. می‌خواهم این روز و ویژگی‌های خاصش را از نگاه بردگان بررسی کنم. اینجا ایستاده‌ام و با بردگان

آمریکایی همدردی می‌کنم و رنج و ستم‌شان را از آن خود می‌دانم. با تمام وجود اعلام می‌کنم که شخصیت و رفتار این ملت هیچ وقت به اندازه این روز، یعنی چهارم جولای در چشم سیاه نیامده! چه به اعلامیه‌های گذشته نگاه کنیم و چه به اظهارات امروز، کردار این ملت به یک اندازه زشت و نفرت‌انگیز است. آمریکا گذشته و امروزش اشتباه است و با راهی که پیش گرفته، آینده‌اش هم اشتباه خواهد بود. امروز در کنار خداوند و بردگان سرکوب شده و غرق در خون، به نام انسانیت که به خشم آمده، به نام آزادی که در زنجیر است، به نام قانون و انجیل که زیر پا گذاشته شده است، با تاکید بسیار هر آنچه را که به تداوم برده داری کمک می‌کند، محکوم می‌کنم. برده‌داری گناه و شرم بزرگ آمریکاست!

«دو پهلو حرف نمی‌زنم و چشم پوشی نمی‌کنم.» خشن‌ترین زبانی را که می‌توانم به کار می‌گیرم، اما هیچ حرفی نخواهم زد مگر آنکه در نظر همه انسان‌هایی که تعصب چشم قضاوتشان را کور نکرده و در باطن برده‌دار نیستند، عادلانه و درست باشد.

اما گمان می‌کنم صدای برخی از حضار را می‌شنوم که می‌گویند، «درست در این شرایط است که تو و برادرانت که مخالف برده‌داری هستید، از ایجاد تاثیر مثبت بر اذهان عمومی ناتوان‌اید. اگر کمتر محکوم کنید و بیشتر استدلال بیاورید، اگر بیشتر ترغیب کنید و کمتر سرزنش، احتمال بیشتری هست که در هدفتان موفق شوید.» اما وقتی همه چیز خیلی ساده است، جایی برای استدلال نمی‌ماند. می‌خواهید برای کدام قسمت از آیین ضد برده‌داری استدلال بیاورم؟ در مورد کدام بخش از این موضوع مردم این کشور نیاز به آگاهی دارند؟ آیا باید اثبات کنم که برده «انسان» است؟ این موضوع پذیرفته شده است و کسی درباره‌اش شک ندارد. خود برده‌داران در تصویب قوانین‌شان به این موضوع اذعان کرده‌اند. تنبیه برده‌ها به خاطر سرپیچی خود تایید این موضوع است. در ویرجینیا هفتاد و دو جرم نام برده شده که برای برده، هرچقدر هم که ابله باشد، مجازات مرگ به همراه دارد، حال آنکه فقط دو مورد از آن جرایم برای مرد سفیدپوست مجازات مرگ دارد. معنایش چیست جز تایید اینکه برده انسانی مسئول، دارای هوش و قوه تشخیص است؟

## ما هم مردمی هستیم

انسان بودن برده پذیرفته شده است. در واقع تایید این امر را در قوانین ایالت‌های جنوبی می‌توان دید که پر است از احکام بازدارنده، مجازات و جریمه‌های سنگین

در مورد آموزش خواندن و نوشتن به بردگان. اگر هر یک از این قوانین را برای حیوانات به کار ببرید، در آن صورت من هم قبول می‌کنم که برای توجیه انسان بودن برده‌ها استدلال بیاورم. وقتی سگ‌های خیابان، پرندگان آسمان، احشام روی تپه‌ها، ماهی‌های دریا، و خزندگان قادر نباشند برده را از حیوان تمیز دهند، در آن صورت من هم استدلال می‌آورم که برده انسان است!

فعلا تایید برابری انسانیت نژاد سیاه کافی است. ما هم شخم می‌زنیم، می‌کاریم، درو می‌کنیم، از ابزار مکانیکی استفاده می‌کنیم، خانه و پل و کشتی می‌سازیم، با فلزات برنج، آهن، مس، نقره، و طلا کار می‌کنیم؛ می‌خوانیم، می‌نویسیم و حساب می‌کنیم، به عنوان کارمند، بازرگان، و منشی کار می‌کنیم و در میان خود وکیل، پزشک، وزیر، شاعر، نویسنده، سردبیر، خطیب، و آموزگار داریم، و همه کارهایی را انجام می‌دهیم که بقیه انسان‌ها مشغولش هستند، مثل حفاری طلا در کالیفرنیا، شکار نهنگ در اقیانوس آرام، علوفه دادن به گاو و گوسفندها، زندگی کردن، حرکت کردن، اندیشیدن، و برنامه‌ریزی. ما، شوهر و زن و فرزند، در خانواده زندگی می‌کنیم، و بالاتر از همه خدای مسیحیت را می‌پرستیم و در مقابلش اعتراف می‌کنیم، و به زندگی و جاودانگی و رای گور باور داریم. با این حال، از ما می‌خواهند که انسان بودن مان را ثابت کنیم!

### برده‌داری غیر اخلاقی است

آیا اجازه می‌دهید استدلال کنم که انسان مستحق آزادی است؟ که مالک محق بدن خودش است؟ شما قبلا این را اعلام کرده‌اید. آیا باید ثابت کنم که برده‌داری غلط است؟ آیا این امر برای جمهوری خواهان سوال است؟ آیا باید با منطق و استدلال آن را حل کرد، آن هم چنین موضوع دشوار و غیر قابل فهمی که مستلزم اجرای مبهم عدالت است؟ امروز در حضور آمریکایی‌ها چطور می‌توانم نشان دهم که آزادی حق طبیعی انسان‌هاست، چه با نگاه نسبی، مطلق، مثبت، یا منفی. با چنین کاری خودم را مسخره کرده‌ام و به شعور شما توهین کرده‌ام. هیچ انسانی زیر خیمه آسمان نیست که نداند برده‌داری کاری غیر اخلاقی است.

آیا باید استدلال بیاورم که این کارها غلط است: اینکه انسان‌ها را حیوان بخوانیم، آزادی‌شان را از آنها بدزدیم، از آنها بیگاری بکشیم، آنها را از ارتباط با سایر انسان‌ها دور نگهداریم، با چوب و شلاق بزنیم‌شان، دست و پایشان را به زنجیر بکشیم، سگ‌ها را به دنبال‌شان بفرستیم، در حراج بفروشیم‌شان، خانواده‌های‌شان را از هم جدا کنیم،

دندان‌های‌شان را بکنیم، پوست‌شان را بسوزانیم، و آن قدر گرسنگی‌شان دهیم که از اربابان‌شان اطاعت کنند. آیا باید استدلال بیاورم که نظامی چنین آلوده به خون و ناپاکی غلط است؟ نه، این کار را نمی‌کنم. کارهای مهم‌تری دارم و نمی‌خواهم وقت و انرژی‌ام را صرف چنین بحث‌هایی کنم.

### هر آنچه غیر انسانی است نمی‌تواند الهی باشد

پس چه چیزی برای استدلال می‌ماند؟ اینکه برده‌داری امری الهی نیست؟ که خداوند آن را بنا ننهاد، که بزرگان دین در اشتهاهند؟ چنین اندیشه‌ای کفرآمیز است. هر آنچه غیر انسانی است، نمی‌تواند الهی باشد. چه کسی می‌تواند برای چنین حرف‌هایی استدلال بیاورد؟ آنهایی که از پس این کار برمی‌آیند. ولی من نمی‌توانم. زمان چنین استدلال‌هایی گذشته است.

در چنین زمانی به آهن گداخته نیاز است نه استدلال‌های قانع‌کننده. آه که اگر می‌توانستم حرفم را به گوش ملت برسانم، تمسخر گزنده، ملامت صاعقه‌وار، طعنه غضب‌آلود و سرزنش سخت نثارشان می‌کردم، زیرا که امروز نیاز به آتش است نه نور، نیاز به رگبار است نه بارانی ملایم. امروز نیازمند طوفان و گردباد و زلزله‌ایم. باید احساسات ملت را برانگیخت و وجدان مردم را بیدار کرد. باید قواعد اخلاقی ملت را تکان داد؛ باید دورویی ملت را افشا کرد؛ باید گناهانش را علیه خداوند و انسان آشکار و محکوم کرد.

### چهارم جولای برای بردگان چه معنا دارد؟

برای یک برده آمریکایی، چهارم جولای شما چه معنایی دارد؟ جوابش را می‌گویم: روزی که بیش از هر روز دیگری در سال بی‌عدالتی و ظلمی را که او قربانی‌اش است آشکار می‌کند. در نظر او جشن شما تظاهر و دروغ است و آزادی‌ای که به آن می‌بالید امتیازی شوم؛ در چشم او دعا و مناجات، وعظ و شکرگزاری، و همه اجتماعات و مراسم مذهبی شما صرفاً گزافه‌گویی و دروغ است، فریب و بی‌اعتنایی به مقدسات و دورویی است، حجابی نازک است برای پوشاندن گناهای که یک ملت وحشی را رسوا می‌کند. ملت وحشی‌ای در کار نیست. هیچ ملتی روی زمین نیست که بیش از ایالات متحده متهم به چنین جرایم خونین و هولناکی باشد. هر جا که مایلید بروید، هر جا را که صلاح می‌دانید جستجو کنید، همه نظام‌های سلطنتی و مطلقه دنیای قدیم را زیر و رو کنید، به آمریکای جنوبی سفر کنید، همه

خشونت‌ها و بدرفتاری‌ها را بجوئید، و وقتی آخرین شان را پیدا کردید، یافته‌های تان را کنار اعمال روزمره این ملت بگذارید، و خواهید دید که در قساوت انزجار آور و دورویی بی‌شرمانه، آمریکا بی‌رقیب حکمرانی می‌کند.





